

نئولیبرالیسم پای صندوق رأی: مورد پرو

نویسنده: کمال الدین دعایی

در تاریخ‌نگاری ایدئولوژی‌ها، قرن بیستم را بیش از هر چیز با یک رخداد شناسایی می‌کنند و آن ظهور و فروپاشی کمونیسم روسی است. اما در نیمه دوم این سده ایدئولوژی دیگری نیز رخ نمود و خاتمه منطقی خود را به نمایش گذاشت و آن چیزی نبود جز نئولیبرالیسم اتریشی-شیکاگویی. پس از ناکامی سرمایه‌داری رفاه‌گرا نوبت رنسانس لیبرالیسم کلاسیک بود که دولت را و اساسی کند و آن را در نقش یک کاتالیزور و مانع‌زدای فعال به خدمت بازار درآورد. اما برخلاف جهان اول که پیشرفت این ایدئولوژی را تنها تا نیمه‌راه شاهد بود و جدال جامعه مدنی و سرمایه همچنان مانع از تحقق کامل اتوپیای بازار شده است، نئولیبرالیسم در تکه‌هایی از جنوب جهان توانست وضعیت آرمانی خود را به نمایش بگذارد. آرمان دولت در نقش توپخانه بازار سرانجام به دست سوهارتو و پینوشه محقق شد نه ریگان و تاجر. فردریش هایک و میلتون فریدمن اگرچه به اروپا و آمریکای شمالی چشم امید بسته بودند، بهشت موعود خود را در آمریکای جنوبی و حکومت‌های خونتا در شیلی و آرژانتین و اوروگوئه یافتند.

تحقق دیکتاتوری سیاسی در خدمت آزادی اقتصادی همان چیزی بود که هایک را در سیاه‌ترین وهله از حکومت آگوستو پینوشه به شیلی می‌کشاند. ویران‌سازی میراث سالوادور آلنده در نظر هایک بسیار ارزشمندتر از آن بود که به خاطر جنایت‌های حقوق بشری نادیده گرفته شود. در نتیجه، پرونده خون‌بار پینوشه هیچ‌گاه مانع از آن نشد که هایک جانب او را فرو بگذارد. او پیوسته و فعالانه در مطبوعات اروپایی و آمریکایی به حمایت از رژیم دیکتاتوری پینوشه مشغول بود.

تذات اصلی نئولیبرالیسم هایک را بر اساس همین گفته‌ها و نوشته‌ها می‌توان در عبارتی خلاصه کرد که سال ۱۹۷۸ اظهار داشت: «انتخاب آزاد در بازار بیشتر اهمیت دارد تا پای صندوق رأی». همان سال در نامه‌ای که به نشریه تایمز لندن نوشت، قلم به مدعایی چرخاند که به تعبیر بروس کالدول (زندگی‌نامه‌نویس او) باعث شد «حتی پروپاقرص‌ترین متحدان او هم حالشان به هم بخورد». هایک گفت: «در شیلی حتی یک نفر را نتوانسته‌ام پیدا کنم که نپذیرد آزادی فردی در حکومت پینوشه بسیار بیشتر از آزادی در دوران آلنده بوده».

«است».

کشور پرو در همسایگی شمالی شیلی هم‌اکنون صحنه یک کارزار سیاسی برای انتخاب رییس‌جمهور آتی است که هم بار دیگر نشان می‌دهد سیاست در آمریکای جنوبی از جدال نیروهای چپ و راست فارغ نمی‌شود و هم به محملی نو برای کنش‌گری به راه‌رسم نئولیبرالیسم تبدیل شده است: بازار آزادی‌ها همچنان از اتحاد با دیکتاتورها استقبال می‌کنند. در انتخابات ۲۰۲۱ دو رقیب از دو منتهی‌الیه طیف ایدئولوژیک، درست از پایین و بالای ساختار طبقاتی، به دور دوم راه یافته‌اند: پرو کاستیو نامزد حزب چپ‌گرای «پروی آزاد» که رتبه نخست آرای عمومی را در دور اول از آن خود کرد و کیکو فوهی‌موری رهبر حزب راست‌گرای «نیروی مردمی» در رتبه دوم

پرو کاستیو که از خانواده‌ای روستایی برخاسته است بیش از ۲۵ سال به آموزگاری در مدارس ابتدایی پرو مشغول بوده است و همچنان به کار در مزرعه مشغول است. او سال ۲۰۱۷ به خاطر حضور فعالانه در اعتصاب‌های سراسری آموزگاران به شهرت رسید. دشواری‌هایی که طی یک سال اخیر به خاطر همه‌گیری کرونا گریبان‌گیر دانش‌آموزان محروم شد او را به حضور در کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری تشویق کرد. او اگرچه صریحا به خاطر مواضع عدالت‌طلبانه و چپ‌گرایانه شهرت یافته است، تلاش می‌کند دست کم در اظهار نظرهای علنی میان خود و جریان‌های رادیکال چپ فاصله ایجاد کند. کاستیو اعلام کرده است به دنبال دولتی‌سازی صنایع نیست و در دولت او نه خبری از «کمونیسم» خواهد بود و نه «چاوز-مسلکی». او از قضا و بر خلاف روال چپ‌گرایان غربی در مسائل فرهنگی مواضعی محافظه‌کارانه دارد و مخالفت خود را با قانونی‌سازی سقط جنین و ازدواج همجنس‌گرایان اعلام کرده است. در عین حال ارتباطات گذشته او با برخی جریان‌های وابسته به شورشیان «راه روشن» بدنامی‌هایی برایش به همراه داشته است

در سوی مقابل، کیکو فوهی‌موری، سرمایه‌دار و سیاست‌مدار ژاپنی‌تبار ایستاده است که بیش از هر چیز به عنوان دختر آلبرتو فوهی‌موری رییس‌جمهور اسبق پرو معروف است. پدرش آلبرتو فوهی‌موری در سال ۱۹۹۰ به قدرت رسید، تا سال ۲۰۰۰ با مشت آهنین بر پرو حکم راند و عمده دوران ریاست‌جمهوری خود را به جنگ با گروه‌های شبه‌نظامی مائویست گذراند. او از سال ۲۰۰۰ به این سو بارها به خاطر جرایم دوران مسئولیتش همچون سرقت صدها میلیون دلار از اموال عمومی و نقض حقوق بشر متهم شده است. سال ۲۰۰۹ به خاطر جنایت‌هایی که در دهه ۱۹۹۰ در حق غیرنظامیان مرتکب شده بود به ۲۵ سال حبس محکوم شد و هم‌اکنون دوران محکومیت خود را می‌گذراند. او در فهرست فاسدترین رهبران جهان رتبه هفتم را به خود اختصاص داده است. دخترش کیکو فوهی‌موری نیز طی سال‌های اخیر چندین بار به اتهام جرایم مالی همچون پول‌شویی بازداشت شده است

همانقدر که کاستیو با شکل و شمایل روستایی‌اش، با کلاه کابوی و پانچو و صندل‌های لاستیکی‌اش، خاستگاه طبقاتی و جامعه‌هاواران خود را بازنمایی می‌کند، فوهی‌موری نیز با اعلام وفاداری به میراث خانوادگی خود و تاکید بر مرام فوهی‌موریسم، یعنی نئولیبرالیسم اقتصادی و چپ‌ستیزی سیاسی، کیش شخص‌پرستی و پوپولیسم، آینده‌بدیل‌پرو را به نفع طبقات بورژوا به نمایش می‌گذارد. او در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ نیز پا به کارزار ریاست‌جمهوری گذاشته بود اما نتوانست پیروز شود.

خبری که در این روزها توجه برخی ناظران را به خود جلب کرد اعلام حمایت ماریو بارگاس یوسا نویسنده و نوبلیست پرویی از فوهی‌موری بود. او ابتدا روز ۱۷ آوریل ۲۰۲۱ در مقاله‌ای در روزنامه اسپانیایی ال پائیس به دفاع از نامزد راست‌گرایان پرداخت و از همگان خواست که به او رای بدهند. مدتی بعد او را به نشست «چالش‌های آزادی» در «بنیاد بین‌المللی آزادی» که خود ریاستش را برعهده دارد دعوت کرد. صبح روز یکشنبه ۲۳ مه یوسا در تماسی ویدئویی فوهی‌موری را به ادامه راه خود تشویق کرد و از سپاس‌گزاری متقابل او بهره‌مند شد. سرانجام در آخرین روز از ماه مه، در پیامی تلویزیونی اعلام کرد: «باور دارم کیکو» فوهی‌موری تجسم آزادی و پیشرفت است، و پدر کاستیو مظهر دیکتاتوری و عقب‌ماندگی است.

آنچه در وهله اول شگفتی‌انگیز است سابقه سیاسی خود یوسا با خاندان فوهی‌موری است. او در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۹۰ رقیب سرسخت آلبرتو فوهی‌موری بود و از او شکست خورد. طی این سال‌ها نیز هربار خبری از خیز کیکو برای کسب قدرت بوده است یوسا از ابراز مخالفت با او خودداری نکرده است. مثلاً در جریان انتخابات سال ۲۰۱۱ انتخاب او را «بدترین گزینه ممکن» و «مایه مشروعیت بدترین دیکتاتوری تاریخ پرو» دانست. سال ۲۰۱۶ نیز گفت: «کیکو دختر یک آدمکش و یک دزد است».

اکنون اما اتحاد راهبردی یوسا با فوهی‌موری بیش از آنکه مایه تحیر شود پایبندی او به اصل اساسی سیاست‌ورزی نئولیبرال را نشان می‌دهد. راست میانه در رویارویی با راست افراطی ممکن است چندی ندای آزادی سر دهد و در مذمت دیکتاتوری شعر و رمان بسراید. اما به محض آنکه شبحی از جنس جامعه‌گرایی در فضای سیاسی سایه می‌اندازد این نزاع کاذب نیز منحل می‌شود. یوسا به ما می‌گوید کاستیو قرار است در آینده یک استالین یا کاسترو یا چاوز دیگر شود و پرو را به خاک و خون بکشد. آینده خود خبر خواهد آورد. ولی سوابق مجرمانه و کودتاچیان خاندان فوهی‌موری را که پیش روی اوست با کدام چشم نادیده می‌گیرد؟ همین اکنون کیکو فوهی‌موری به خاطر اتهامات مالی و قضایی سنگینش با احتمال محکومیت ۳۰ سال حبس روبروست و با دست و دامنی بس آلوده کارزار انتخاباتی خود را پیش می‌برد.

چه چیزی یوسا را به رغم این همه در حمایت از او مصمم می‌کند؟ هیچ‌چیز جز تعهد او به نئولیبرالیسم. او همچون هاپیک از دل و جان باور دارد که آزادی‌های سیاسی افراد تنها وقتی ارجمند است که در تضاد با

آزادی‌های اقتصادی برای بازار و سرمایه قرار نگیرد. سیاست‌ورزی نئولیبرال در این‌گونه دوراهی‌ها با کمترین ابهام و کوچکترین تردید روبروست.

هیچ شگفت‌انگیز نیست که یوسا به فوهی‌موری پول‌شوی و قانون‌گریز، به قول سابق خودش «دختر یک آدمکش و یک دزد»، تلفن کند و او را «مظهر آزادی و پیشرفت» لقب دهد. هاید کتاب «منشور آزادی» خود را به آنتونیو سالازار دیکتاتور فاشیست پرتغالی هدیه داد و کتاب «قانون، قانون‌گذاری، و آزادی» را به عنوان «یک قانون اساسی الگو» به دست دیکتاتور شیلی رساند. رهنمون آیندگان همان بود که سال ۱۹۸۱ در حمایت از پینوشه به زبان آورد: «شخصاً یک دیکتاتور لیبرال را به یک دولت دموکراتیک اما «غیر لیبرال ترجیح می‌دهم».

نئولیبرالیسم ارتدوکس، آنچنانکه گوشه گوشه نیم‌کره‌ی جنوبی را به خون نشاند و رخت بریست، دیکتاتوری سیاسی را به شرط اینکه فارغ از تعهد اجتماعی باشد بهینه‌ترین مسیر برای تحقق «معجزه اقتصادی» می‌داند. عریانی میل به قدرت و مشروعیت‌بخشی به اشکال گوناگون اقتدارگرایی در هفت کنج جهان. طلوعه‌ای از همین کیش آخرالزمانی است.

سایت میدان